

شاخصه‌های حکومت مهدوی زمینه ساز صلح و امنیت جهانی

احسان سامانی^۱

چکیده

از دیرباز یکی از دغدغه‌های اساسی بشر ایجاد محیطی امن و عاری از جنگ و ستیز بوده و در این راستا اقدامات و تلاشهایی - از جمله تاسیس نهادهایی چون جامعه ملل، سازمان ملل متحد، شورای امنیت و ... - نیز انجام داده است اما نه تنها نتوانسته صلح جهانی را تأمین کند که روز به روز شاهد جنگهای وحشتناک تر بودیم. ریشه‌های نا امنی و جنگ را در نوع نظامهای سیاسی باید جستجو کرد. فقر، جهل و استبداد، ریشه‌های نا امنی و ستم و جنگ و نزاع بین المللی است. لیبرال دموکراسی نیز نتوانسته این عوامل را از بین ببرد. به نظر می‌رسد با الگو پذیری از حکومت جهانی مهدوی و شاخصه‌های ویژه‌ی آن، می‌توان به این هدف متعالی نزدیک شد. البته این شاخصه‌ها به طور کامل، اختصاص به حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) دارد، اما حکومت‌های اسلامی پیش از ظهور با الگو گرفتن از آن حکومت، می‌توانند به تناسب تلاششان به مراتبی از این شاخصه‌ها رسیده و به همان نسبت صلح و امنیت را برای جوامع خود به ارمغان آورند.

واژگان کلیدی

صلح، امنیت، عدالت، ساختار حکومت، شاخصه‌های حکومت.

۱. عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان.

طرح مسأله

جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول، برای ایجاد صلح و امنیت جهانی ایجاد شد، اما در انجام مأموریت خود موفق نبوده و شکست خورد و با وجود این نهاد، جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد و شورای امنیت تشکیل شد اما این نهادها نیز نتوانستند صلح جهانی و زندگی مسالمت آمیز را تأمین. حال باید دید ریشه این اتفاقات چیست؟ آیا این اتفاقات نشانگر عدم کارآمدی این نهادها نیست؟ امروزه بین علماء و دانشمندان اتفاق نظر است که ساختار سازمان ملل باید تغییر یابد. حقوق بین الملل نیز ضمانت اجرای خود را از دست داده است.

ریشه های نا امنی و جنگ را باید در نوع نظامهای سیاسی جستجو کرد. فقر، جهل و استبداد، ریشه های نا امنی و ستم و جنگ و نزاع بین المللی است. لیبرال دموکراسی نیز نتوانسته است فقر، جهل و استبداد و جنگ را از بین ببرد. حال پرسش ما این است که بر اساس کدام مدل می توان در مقیاس جهانی، ساختار بهتری برای اداره بشریت ارائه نمود. به نظر می آید در پاسخ، صلح و امنیت بر پایه عدالت با مقیاس جهانی، تنها در حکومت مهدوی تحقق می یابد و این به جهت برخورداری حکومت مهدوی از شاخصه های ویژه ای است که دیگر حکومتها از آن محرومند. این شاخصه ها اگرچه به طور کامل، اختصاص به حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) دارد، اما حکومتهای اسلامی پیش از ظهور با الگو گرفتن از آن حکومت، می توانند به تناسب تلاششان به مراتبی از این شاخصه ها رسیده و به همان نسبت صلح و امنیت را برای جوامع خود به ارمغان آورند.

۱- صلح

صلح اسم مصدر از مصالحه است و در مذکر و مؤنث یکسان به کار برده می شود (جوهری، ۱۴۱۰، ۱، ۳۸۳). ماده «ص ل ح» در اصل، آن چیزی است که از فساد سالم مانده است، لذا ضد فساد است (ابن زکریا، ۱۴۰۴، ۳، ۳۰۳) و اکثراً در عمل استعمال می شود؛ چنانکه صحت، غالباً در اجسام استعمال می شود و صلاح و فساد نقیض هم هستند؛ لذا هر جا افساد باشد، اصلاح منتفی می شود و هر جا اصلاح باشد، افساد از بین می رود. همچنین صلاح و سیئه ضد یکدیگرند؛ لذا در یک جا جمع نمی شوند؛ اما امکان ارتفاع

هر دو وجود دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۶، ۲۶۶). این واژه در زبان عربی و همچنین ادبیات قدیم پارسی، هم معنای لغت آشتی و به معنای مقابل حرب و جنگ نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۱۱۷؛ اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۸۹)، امنیت نیز یکی از معانی صلح دانسته شده است. البته صلح یک مفهوم مطلق نیست و می تواند بسته به دیدگاه دینی و فرهنگی تعریف متفاوتی داشته باشد. راغب معتقد است که صلح، مخصوص از بین بردن نفرت از میان مردم است مانند: الصلح خیر، و فاصلحوا بینهما (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۸۹).

۲- امنیت

کلمه امنیت از حیث لغوی، ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس، و آرامش خاطر می باشد و شامل دو بعد ایجابی و سلبی است؛ از یک سو بیانگر اطمینان و آرامش فکری و روحی است (فیومی، بی تا، ۲، ۲۴) و از سوی دیگر بر فقدان خوف، دلهره و نگرانی - که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردند - نیز دلالت دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸، ۳۸۸). پس امنیت عبارت است از آرامش درونی و برونی، که قلمروهای فردی و اجتماعی، فکری و روحی، و اخلاقی و اعتقادی را در بر می گیرد (مصلحی، ۱۳۹۲، ۱، ۱۳۳).

می توان گفت، امنیت در فضای داشته‌ها و خواسته‌های اشخاص مطرح می شود. به بیان دیگر امنیت و عدم امنیت از نحوه ارتباط و تعامل بین داشته‌ها (دارایی ها و منافع) و خواسته‌ها (اهداف و انتظارات) ناشی می شود (خانی، ۱۳۸۵، ۳۳) و نتیجه این تعامل و ارتباط، رضایت‌مندی و یا نارضایتی آنان است و این سرآغاز و منشأ شکل‌گیری امنیت یا نا امنی است. نارضایتی یا رضایت بر روی اجزای امنیت تأثیر منفی یا مثبت دارد و به تناسب شدت آن می تواند کارکرد اجزای امنیت مانند ثبات و نظم را با اختلال روبه‌رو کرده و در نهایت منجر به یک حادثه امنیتی مانند شورش یا جنگ گردد.

برای ایجاد امنیت و یا احساس امنیت باید ریشه های ناامنی و یا چنین احساسی خشکانده شود و به نظر می رسد - اگرچه در هر جامعه ای عده‌ای هستند که به ناحق به دنبال امتیازات و یا ایجاد نا امنی هستند و مقابله با آن، از طریق اقدامات تأمینی و قضایی مناسب و عادلانه صورت می گیرد- در حکومت مهدوی به صورت اساسی و ریشه ای با

پدیده نا امنی مقابله می شود، بدین نحو که با توجه به منشأ نا امنی، برخورد متناسب با آن صورت می گیرد که در ذیل به جهت وضوح بیشتر در قالب تقسیم ذکر می نمایم.

الف: گاهی نارضایتی و در پی آن ناامنی، منشأ حقیقی و واقعی دارد، بدین گونه که

یک امر و اتفاق خارجی و واقعی، موجب بروز نارضایتی می شود که این امر خارجی:

۱- یا محرومیت نسبی است: بدین معنا که تعادل میان قدرت و انتظارات وجود ندارد، که این عدم تعادل می تواند ناشی از کاهش قدرت در مقابل ثبات انتظارات (مثل تورم و بی کاری و ...) و یا ناشی از افزایش انتظارات در مقابل ثبات قدرت باشد. روشن است که این مشکلات، ناشی از کم کاری و یا عدم تدبیر صحیح و درست و به جای و یا خشکسالی و قحطی و می باشد. با توجه به روایات، در حکومت مهدوی، بهترین کارگزاران و به طور پیوسته و شبانه روزی در پی تحقق بخشیدن به آرمانهای حکومت مهدوی هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۰۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۳۸۰). همچنین رشد غیر قابل تصور علم و فناوری، به یقین در زدودن اینگونه مشکلات نقش مهمی خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۳۶) و چه بسا حتی نزول برکات آسمانی و همچنین خروج گنجهای زمینی و همه و یا بخشی از آن در پرتو رشد علمی و تکنولوژی آن دوران باشد.

۲- یا بی عدالتی و نابرابری است: بدین معنا که نارضایتی ناشی از برخورد مشابه با دو فرد متفاوت و یا برخورد متفاوت با دو فرد مشابه می باشد. به عبارت دیگر علت نارضایتی شخص این است که در جامعه، برخورد ناعادلانه و بر خلاف حق صورت می گیرد و افرادی به ناحق از حقتان محروم شده و برخی به ناحق، آن امتیاز و یا حق در اختیارشان قرار گرفته است.

در این موارد چون نارضایتی و نا امنی ناشی از منشاء خارجی است، باید سیاستهای مناسب در راستای اصلاح و رفع منشاء خارجی اتخاذ شود که با توجه به روایات برخی از این اقدامات عبارتند از: به کارگیری بهترین و شایسته ترین افراد در مناصب حکومتی و قضایی، اجرای عدالت به معنای واقعی در تمام سطوح که به تفصیل بیان خواهیم کرد، نظارت شدید بر کارگزاران و برخورد قاطع با افراد خاطی. همچنین شخصیت امام عصر (عج) و ویژگیهای منحصر به فرد حضرت (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۱۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷،

(۲۱۴)، دین اسلام با روح رحمانی آن و حاکمیت سیاسی واحد از جمله عواملی هستند که در دفع و رفع این قسم از نارضایتی ها و نا امنی ها مؤثر هستند که به تفصیل به بیان آن خواهیم پرداخت.

ب: گاهی نارضایتی ناشی از صرف تصور و احساس است، یعنی شخص احساس می کند که حقی از او ضایع شده است و یا قدرت از او سلب شده و یا در حق او بی عدالتی صورت گرفته است؛ راه کار مناسب برای خشکاندن ریشه های نا امنی ناشی از این علت، این است که اولاً به معنای واقعی کلمه، بصیرت و دانش افراد افزایش یابد و ثانیاً جنبه های اخلاقی و معنوی جامعه تقویت شود. در روایات نیز به هر دو مورد پرداخته شده است. روایاتی که به کامل شدن عقول و ... در عصر حضور امام (عج) تصریح نموده (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۲۸ و ۳۳۶)، بیانگر این است که در عصر ظهور، سیاستهای بسیار صحیح و موفق در جهت رشد علمی و عقلی جامعه اتخاذ می شود که موجب رشد عقول به طور همگانی می شود و وقتی بصیرت افراد جامعه رشد یافت، حقوق و تکالیف خود را به خوبی خواهند شناخت و سوء تفاهمات در این حوزه به حداقل ممکن تقلیل می یابد. همچنین روایات ناظر به رسوخ عدالت به داخل خانه ها، نشانگر رشد چشم گیر این جامعه در بعد اخلاقی است و جامعه ای که در بعد اخلاق چنین رشد یافته است، بدون تردید چنین احساسی در او به طور چشم گیری کاهش می یابد (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ۲۳۹). علاوه بر این از طریق مبارزه با فقر و مشکلات اقتصادی و همچنین بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی جامعه با اتخاذ سیاستهای عادلانه و عالمانه در این خصوص، جلوی احساس چنین نارضایتی گرفته می شود.

ج: گاهی نیز در تحقق نارضایتی، هر دو عامل (تصور و حقیقت) دخالت دارند، بدین معنا که اگرچه منشأ خارجی برای نارضایتی وجود دارد ولی تصورات و احساسهای خلاف واقعی نیز در شخص ایجاد شده که موجب تشدید آن نارضایتی شده است. که با توجه به دو مسأله قبل، پاسخ این مورد نیز مشخص می شود. از آنجا که در ذیل هر یک از شاخصه های حکومت مهدوی، به رابطه آن شاخصه به صلح و امنیت خواهیم پرداخت، به همین مختصر توضیح در اینجا بسنده می کنیم.

۳- حرکتهای جهانی در راستای استقرار صلح و امنیت جهانی

از جمله آرزوهای بزرگ بشر از دیرباز ایجاد محیطی امن و عاری از جنگ و ستیز - چه در اجتماع های کوچک و چه اجتماع بزرگ جهانی - بوده است. در راستای برآوردن این آرزو در صحنه بین‌المللی، فکر ایجاد نهادی تاثیرگذار برای تنظیم روابط میان کشورها و جلوگیری از نزاع و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات موجود میان آنها از جمله دل مشغولی های انسانها در عصر جدید بوده است. در ابتدا با تشکیل سازمان های عامل و فنی و خدماتی، با وسعت عمل محدود، روند ایجاد و شکل گیری سازمان های بین‌المللی در راستای تأمین امنیت و صلح جهانی آغاز شد. به دنبال آن و با نزدیکی بیشتر ملل و گسترش ارتباطات و لزوم همکاری های بیشتر، وسعت عمل و نوع فعالیت سازمان های بین‌المللی نیز گسترش یافت، تا اینکه بعد از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰ به موجب یک میثاق ۲۶ ماده ای، که جزئی از پیمان ورسای بود، جامعه ملل پا به عرصه وجود نهاد. اگرچه از نگاه بنیانگذاران جامعه ملل، هدف اصلی تشکیل این نهاد بین‌المللی فراگیر، همانا ایجاد و حفظ صلح در جهان بود، (موسی زاده، ۱۳۸۶، ۶۹) اما وجود برخی ضعف ها و نارسایی ها (برخی نارسایی های سیاسی، ساختاری و حقوقی نظیر جهانی نبودن، وسعت وظایف شورا، ضعف در ضمانت اجرا و بویژه عدم ممنوعیت جنگ و...) عملاً زمینه انحلال آن را فراهم کرد و سرانجام سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ جایگزین جامعه ملل شد.

حدود ۷۰ سال پیش و همزمان با اتمام جنگ جهانی دوم، فاتحان این جنگ که جهان را به خاطر تلاشهایشان برای نجات از چنگال نازیسم و فاشیسم، مدیون خود می‌انگاشتند، سازمان ملل متحد را با هدف حفظ و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی در سایه همکاری های نهادینه خود تأسیس کردند (موسی زاده، ۱۳۸۶، ۸۴) و در تعیین ساختار اصلی سازمان ملل متحد و ترکیب آن در پی حفظ وضع موجود و نه ایجاد وضع مطلوب بودند. شعار آنها برتری صلح بر عدالت بود. چون بر اساس رهیافت قدرت، تصمیم گیری های لازم برای پی‌ریزی ساختار نظام آینده بین‌المللی صورت می‌گرفت، از این آزادی عمل برخوردار بودند که ساختار مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و شکل‌بندی کنند که حافظ منافع آنها باشد. این رویکرد سبب شد که در توزیع جهانی قدرت، تنها بازیگرانی

عهده دار نقش اصلی شوند که در آن زمان بالاترین توان نظامی، سیاسی و سپس اقتصادی را برای راهبری نظام جدید بین المللی پس از جنگ جهانی دوم دارا بودند. لذا مسئولیت اصلی حفظ صلح به شورای امنیت سازمان ملل سپرده شد که در این رکن، پنج قدرت بزرگ، هم دارای عضویت دائمی شدند و هم از حق ویژه و تو برخوردار گردیدند. (موسی زاده، ۱۳۸۶، ۹۹) بدین معنا که دیگر هیچ کس نخواهد توانست در برابر خواست آنها و علیه آنها تصمیمی اتخاذ و به اقدامی مبادرت کند.

ناعادلانه بودن مدیریت حاکم بر روابط بین المللی، اجزای این سیستم را در وضعیتی بحرانی، چالش برانگیز و ناامن قرار داده است. مادامی که برابری دولتها نادیده گرفته شود و عده ای محدود از دولتها به عنوان هیات رئیسه جهان عمل نمایند، دنیا در وضعیتی نا آرام و پر آشوب - همانگونه که وضعیت موجود نیز مؤید آن است - خواهد بود. با در نظر گرفتن جنگ طلبی های ابرقدرتها و برخوردهای سلیقه ای با خشونت و نمادهای آن، برای عموم و آحاد جامعه بشری شکی باقی نمانده که صلح در عمل، نه برای همگان، بلکه تنها برای برخی ها تعقیب و دنبال می شود. در چنین افقی، عدالت با حفظ ساختار ناعادلانه بین المللی موجود (و همچنین ساختار ناعادلانه موجود در درون دولتها و ملتها) قابل تحقق نیست. چگونه می توان صلح را با عدالت همگام ساخت بدون اینکه سازمان حاکم بر روابط بین المللی کنونی، به صورت مناسب دگرگونی یابد!

صلح جهانی آنگونه که در رویه سازمان ملل متحد دنبال شده است، جلب نظر موافق قدرتها در خصوص منافع خاص آنها است. از آنجا که این منافع، متفاوت و متغیر است، صلح نیز از نظر معنا و مصداق همواره متغیر و ناپایدار بوده است. یکی از آسیب های صلح جهانی به همین موضوع یعنی وابستگی مفهوم و مصداق صلح به منافع متغیر نظام بین المللی قدرت محور است.

نکته دیگر این است که نظام مدیریت صلح در جهان، هیچ گاه احترام به فرهنگ ها و ادیان را درک نکرده است و این علتی اساسی برای وضعیت دوران معاصر است. امروزه صلح کالائی است که بازیگران قدرتمند از تشکیل کنگره وین ۱۸۱۵ به بعد، به صورت نظام مند آن را به مجرای برای به اسارت در آوردن هویت ها و فرهنگ های دیگر ملتها به

کار بسته اند؛ معاهده و پیمان نوشته اند، به تقسیم جهان و حوزه های نفوذ خود پرداخته اند و بعد از تشکیل سازمان ملل متحد نیز ساختارهای بین المللی را بر همین تفکرهای صلح برگرفته از فرهنگ غرب پایه ریزی کرده اند.

علاوه بر موارد فوق، رویدادها و فرایندهایی در دنیای معاصر وجود دارند که صلح و عدالت را نشانه رفته اند؛ تروریسم، جنگ و درگیری، فقر و بیماری، بی ثباتی اقتصادی و مالی و همچنین آپارتاید علمی که نشأت گرفته از همان مدیریت سلطه گونه بر این عرصه در جهان هستند، از جمله این موارد هستند. پدیده های ضد صلح نظیر تروریسم، جنگ و درگیری، فقر و بیماری، سلطه اقتصادی و مالی (پدیده های انسان ساخت) و همچنین ساختارهای غیرمایل یا قاصر از تأمین صلح و امنیت بین المللی، وضعیت صلح جهانی را بغرنج کرده اند و در این میان، به نظر می رسد که آپارتاید علمی و فناوری برای مجموعه دولتهای به اصطلاح جنوب نیز در همین عرصه جای می گیرد.

خلاصه اینکه اگرچه یک حرکتی در راستای تأمین صلح و امنیت جهانی (به عنوان یک ضرورت اجتماعی) صورت گرفته است، اما به خاطر وجود برخی ضعفها و اشکالات، نتوانسته است به طور مطلوبی، هدف مورد نظر را برآورده سازد.

۴- شاخصه های حکومت مهدوی

آنگونه که از روایات فهمیده می شود حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از یک سری شاخصه های اساسی برخوردار است که در پرتو آنها، صلح و امنیت در حکومت ایشان برقرار خواهد شد. با توجه به این شاخصه ها و تلاش در جهت رشد و تقویت این ابعاد، می توان قدمهایی را در راستای تأمین صلح و امنیت در جامعه برداشت. به بیانی دیگر با تجربه شیوه های مختلف حکومتی در عصر غیبت، و عدم موفقیت در استقرار صلح و امنیت پایدار، انسان به این نتیجه رهنمون می شود که رسیدن به این هدف متعالی، متوقف بر شرایط و ویژگی های خاصی است که حکومت حضرت حجت (عج) از آن برخوردار است و با حرکت در این مسیر علاوه بر دستیابی به مراتبی از صلح و امنیت، می توان زمینه را برای حکومت حضرت حجت (عج) و برقراری صلح و امنیت کامل و جهانی فراهم نمود. شاید بتوان از کلام امام باقر (ع) نیز که می فرماید: «إِنَّ دَوْلَتَنَا أَحْرُ الدُّوَلِ وَ كَمِّ

يَتَّقِ أَهْلَ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِيَّالَهُمْ مَلَكَوْا قَبْلَنَا لِيَآلَى يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلَكَتْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سَيْرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (مفید، ۱۴۱۳، ۲، ۳۸۵)، این برداشت را نمود که بشر با تجربه راهها و شیوه های مختلف و عدم موفقیت، به این شناخت و فهم می رسد که تنها راه سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی شیوه و روش حکومتی حضرت حجت (عج) است و با قدم گذاشتن در این راه، زمینه برقراری چنین حکومتی را فراهم می سازد. و به بیانی دیگر امت اسلامی - و حتی جامعه انسانی - با کسب این تجربه ارزشمند در عصر غیبت در سطحی قرار می گیرد که آمادگی لازم برای درک قوانین و نیز اندیشه هایی را که در دولت جهانی اعلان خواهد شد، خواهد داشت (صدر، ۱۴۲۷، ۳۸).

۴-۱- وارستگی های رهبری

یکی از مهمترین و مؤثرترین عناصر و مؤلفه های یک حکومت، رهبر و رئیس حکومت است. تا جایی که حضرت امیر (ع) وجود امیر فاجر را بهتر از نبود امیر و رهبر در جامعه می داند (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ۸۲). بدون شک رهبر یک جریان، نقش محوری و اساسی در موفقیت و یا شکست آن جریان خواهد داشت، البته این بدان معنا نیست که وجود یک رهبر مطلوب در یک جامعه، علت تامه برای موفقیت آن جامعه است چرا که در طول تاریخ بهترین رهبران هم نتوانسته اند امت خود را به کمال مادی و معنوی برسانند، بلکه منظور ما این است که رهبر و رئیس، یکی از علل اساسی و به عبارتی جزء العله می باشد یعنی نبود رهبر، به طور قطع مانع از موفقیت یک جریان یا یک حرکت خواهد بود، اما وجود او نیز به تنهایی کافی نیست بلکه یک سری علل دیگر نیز باید در کنار آن وجود داشته باشد.

بدون شک رهبر و پرچمدار یک جریان و حرکت، برای اینکه بتواند نقش خود را به نحو مطلوب ایفاء کند، باید از یک سری خصائص و ویژگیهای اساسی برخوردار باشد. حال سؤال این است که چه ویژگیها و خصایصی در وجود مقدس حضرت حجت (عج) وجود دارد که ایشان به بهترین شکل نقش خود را در راستای تأمین صلح و امنیت جهانی ایفاء می نمایند؟ در ذیل به برخی از این ویژگیها اشاره می نمایم.

۴-۱-۱- علم و تقوی

همانگونه که قبلاً بیان کردیم امنیت ناشی از رضایت و ناامنی ناشی از نارضایتی احاد جامعه است، و نارضایتی نیز می‌تواند برخاسته از عوامل مختلفی باشد، برخی از این عوامل به خود شخص بر می‌گردد و برخی دیگر به حکومت و حاکمان سیاسی. آنچه که باعث نارضایتی مردم از حاکمان سیاسی می‌شود، گاهی اعمال غیر عادلانه آگاهانه آنان است، یعنی در راستای تأمین منافع شخصی، خانوادگی، حزبی و ...، از مسیر عدالت خارج شده و مرتکب اعمالی می‌شوند، و این خطر هم قابل توجه است چرا که به تجربه نیز ثابت شده است که هرگاه قدرت و ثروت، در جایی جمع شوند نوعاً فساد آورند، و به همین جهت حقوقدانان، بحث تفکیک قوا (به مجریه، مقننه و قضائیه) را برای محدود کردن قدرت به وسیله قدرت برای جلوگیری از فساد آن مطرح نمودند، البته هستند اندک افرادی خود ساخته که مسلط بر هواهای نفسانی بوده و در این وادی سالم می‌مانند، اما به هر حال خطر زیاد است، چراکه هرآن غفلت، (به جهت برخورداری آنان از قدرت و ثروت) می‌تواند آنان را به وادی انحراف بکشاند.

گاهی نیز نارضایتی مردم ناشی از عملکرد غلط آنان می‌باشد، به عبارت دیگر گاهی دولتمردان و حاکمان سیاسی، اگرچه به دنبال اتخاذ سیاستها و تصمیماتی هستند که در راستای رشد و کمال جامعه است اما بعد از مدتی روشن می‌شود که این تصمیمشان، غلط و اشتباه بوده است و علاوه بر عدم النفع، موجب ورود خسارات و صدماتی نیز به جامعه شده است.

آنگونه که از روایات دانسته می‌شود حضرت حجت (عج) از خصائص و ویژگیهایی برخوردار است که مانع شکل‌گیری اینگونه نارضایتی‌ها می‌شود. یکی از بزرگترین ویژگیهای حضرت (ع) که هیچ رهبری از آن برخوردار نیست، عصمت حضرت (ع) است، یعنی پاکی از گناه و اشتباه و نسیان. از این رو حضرت حجت (عج) نه عمداً مرتکب اعمال ناعادلانه می‌شود و نه از روی جهل و نسیان و اشتباه. به عبارت دیگر مصائبی که ما با آن مواجه هستیم یا عالمانه و عامدانه است و یا ناشی از جهل و اشتباه و افراط و تفریط. از این رو رهبر یک جامعه اگر از عصمت و تقوی برخوردار باشد، خود یک عنصر بسیار

قوی در جهت حرکت یک جامعه به سمت رشد و کمال و امنیت فراگیر می باشد، چرا که چنین شخصی، هم اراده کافی را برای حرکت به این سمت دارد و هم علم و دانش کافی را، و لذا هیچگاه امر برای او در حرکت در این مسیر، مشتبه نمی شود. این کارآمدی و ویژگیهای منحصر به فرد حضرت (عج) علاوه بر اینکه مانع از نارضایتی مردم است، موجب محبوبیت بیش از پیش ایشان نیز خواهد شد، همانگونه که در برخی روایات نیز گفته شده است: «مهدی علیه السلام محبوب خلائق است و خدا به وسیله او فتنه را خاموش می کند». (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۱۴۵)

پیامبر خدا (ص) در خصوص علم و دانش حضرت (عج) می فرماید: «همانا او وارث هر دانش و چیره بر آن است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷، ۲۱۴) همچنین در گزارش از مسافرت شگفت آمیز آسمانی خود، در باره حضرت بقیه الله (عج) می فرماید که خداوند متعال فرمود: ... «و تنها او را به خواست خود، بر اسرار و پنهانی های خویش چیره می کنم». (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۶۳۲)

همچنین امام محمد باقر (ع) می فرماید: «... همانا مهدی، از این رو مهدی خوانده شده است که به چیزهایی راهنمایی می شود که در دسترس نبوده و مخفی است ...» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ۲۳۷). در ذیل این روایت، دستیابی حضرت به خزائن و گنج های زمین مطرح می شود که اینگونه مطالب نیز اشاره به علم و دانش بالای حضرت (عج) دارد.

امام رضا (ع) نیز در مورد حضرت حجت (عج) می فرماید: «خدایا همانا او بنده ی توست که او را برای خودت خالص نموده ای و بر غیب و پنهانی خویش برگزیده ای و از هر گناه دور داشته ای و از هر عیب و نقصی در امان قرار داده ای و از هر پلیدی پاک نموده ای و از هر آلودگی سالم داشته ای. خدایا ما در روز قیامت، همان روز حادثه ی شگفت، شهادت می دهیم که همانا او هیچ گناهی مرتکب نشده و خطایی را به جا نیاورده و هیچ طاعت و فرمان برداری را ضایع و نابود نکرده و هیچ حرامی را مرتکب نشده و هیچ واجبی را بازگون و هیچ آیین و شریعتی را دگرگون نکرده است». (طوسی، ۱۴۱۱، ۱، ۴۱۰)

در عصر غیبت اگرچه ما از وجود چنین رهبری محروم هستیم، اما می توانیم با

انتخاب بهترین و نزدیکترین گزینه‌ها، در حوزه تأمین صلح و امنیت قدمهای مثبتی برداریم.

۴-۱-۲- توانایی

بدون شک توانایی و قدرت جسمی، در رهبری و هدایت یک جامعه نقشی اساسی و مهم دارد، چرا که مدیریت یک اجتماع بزرگ جهانی به نحو مطلوب و در راستای دستیابی به سعادت و کمال دنیوی و اخروی، متوقف بر تلاش مستمر و بی وقفه است و چنین تلاش و جدیتی محقق نخواهد شد مگر در سایه‌ی توانایی جسمی بالا و اراده قوی. به دیگر سخن، رهبری و هدایت این چنین جامعه جهانی (که قله‌های کمال را می‌بایست فتح کنند)، تنها به صرف داشتن علم و دانش و مهارت مقدور و میسر نیست بلکه باید از اراده و توانایی و قدرت جسمی بالایی نیز برخوردار باشد، تا بتواند این جامعه را در راستای دستیابی و نیل به کمالات انسانی و ساختن جهانی ایمن و مرفه - که کاری بسیار بزرگ و دشوار است - مدیریت و رهبری نماید.

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین از ریان بن صلت نقل می‌کند که ایشان می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا صاحب الامر شما هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم ولی نه آن صاحب الامری که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم پر شده باشد چگونه من می‌توانم چنین کسی باشم با این ضعف بدن که در من می‌بینی؟! قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند به سن پیر مردان و به صورت جوانان است، و بدنی نیرومند دارد. به طوری که اگر دست به طرف بزرگترین درخت روی زمین دراز کند می‌تواند آن را از بیخ بکند. و چنانچه در میان کوه‌ها نعره کشد، سنگهای سخت از هیبت صدایش خورد شود! عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست. او چهارمین از فرزندان من است. خدا تا زمانی که مصلحت می‌داند او را از نظرها غائب می‌گرداند آنگاه او را آشکار می‌کند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲، ۳۷۶)

همچنین وقتی در حضور امام رضا (ع) سخن از وفور نعمت و راحتی در عصر ظهور حضرت حجت (عج) گفته می‌شود، حضرت می‌فرماید: شما امروز آسوده‌تر از آن روز

هستید. عرض کردند: چطور؟ فرمود: اگر قائم ما (علیه السلام) خروج کند به جز لخته‌های خون و عرق ریختن و بر روی زینهای اسبان خفتن چیزی نخواهد بود و قائم علیه السلام را به جز جامه درشت بافت و غذای ناگوار نخواهد بود. (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ۲۸۵)

این روایت بیانگر تلاش و کوشش پیوسته و شبانه روزی حضرت (عج) و همچنین اصحاب ایشان در راستای سعادت دنیوی و اخروی جامعه جهانی است، و انجام چنین اعمالی مستلزم داشتن توان و نیروی جسمی بسیار بالاست. همچنین حضرت (عج) در کنار توان جسمی بالا، از اراده ای قوی نیز برخوردار بوده و همانگونه که امام باقر (ع) نیز می فرماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۵۴)، سخن هیچ کس مانع از حرکت ایشان در مسیر حق و حقیقت نخواهد شد.

۴-۱-۳- صبر و شکیبایی

از آنجا که مشکلات و سختی های متعدد و طاقت فرسای عصر پیشا ظهور - همچون نا امنی، فقر و مفسد اخلاقی - موجب اضطراب و بی اعتمادی مردم به حاکمان می شود، هدایت و رهبری چنین جامعه ای و رفع مشکلات آن، بدون صبر و سعه صدر بسیار بالا میسر نخواهد بود. به عبارت دیگر چنین جامعه مضطرب و متلاطمی نیازمند یک رهبر و پیشوای صبور و شکیبایی است که با آرامش و اطمینان قلب خود، جامعه را از ترس و اضطراب دور کرده و به ساحل امن و آرامش برساند. (کیانی، ۱۳۸۷، ۱۲۲)

علاوه بر این، روایات تصریح دارد به اینکه رابطه ای ناگسستنی بین صبر و ایمان وجود داشته و به تعبیری بقای ایمان متوقف بر وجود صبر است و با تعابیر مختلفی همچون « صبر در برابر ایمان مانند سر در برابر بدن می باشد » (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱، ۳۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۸۹؛ منسوب به جعفر بن محمد ع، ۱۴۰۰، ۱۸۵)، از این حقیقت پرده برداشته شده است. و حضرت حجت (عج) علاوه بر اینکه خود در اوج درجات ایمان است، هدفش رساندن اجتماع بشری به مراحل عالی کمال انسانی و ایمان و اعتقاد راستین می باشد که در پرتو تحقق این هدف بزرگ، صلح و آرامش به معنای واقعی در جامعه جهانی عصر ظهور حاصل خواهد شد. بدون شک انجام این هدف بزرگ بدون برخورداری از مراتب بالای صبر و شکیبایی مقدور و میسر نخواهد بود، چرا که به روشنی می توان

دریافت وقتی رسیدن شخص به ایمان متوقف بر داشتن صبر و شکیبایی است، رساندن دیگران به درجات بالای ایمان که به مراتب کاری دشوارتر است، بدون برخورداری از مراتب بالای حلم و صبر مقدور نخواهد بود.

بنابراین سعه صدر، صبر و کار و تلاش بر مبنای آگاهی، بصیرت و بینایی از جمله ویژگی‌هایی است که امام عصر (عج) و همچنین یاران ویژه آن حضرت برای رفع این مشکلات از آن برخوردارند. و در لوحی که از جانب خداوند در زمان ولادت امام حسین (ع) بر حضرت فاطمه زهرا (س) نازل شد، این ویژگی حضرت بقیه الله (عج) مورد توجه قرار گرفته و حضرت اینگونه توصیف شده است: «در او کمال موسی و نورانیت عیسی و شکیبایی ایوب وجود دارد». (کلینی، ۱۴۲۹، ۲، ۶۸۶)

وجود این ویژگی‌ها در رهبر یک ملت، به هر نسبت پررنگ تر باشد، از چند جهت می‌تواند تأثیر بیشتری در برقراری صلح و امنیت داشته باشد. اولاً اینکه چنین شخصی اراده و توانایی بیشتری برای کشف و اجرای سیاست‌های مناسب در برقراری صلح و امنیت و جلوگیری از نارضایتی و ناامنی دارد. ثانیاً خدمت بهتر و صادقانه تر ایشان به مردم، موجب محبوبیت روز افزون او شده و به دنبال آن رضایت و آرامش بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت.

۴-۲- بصیرت افزایی و تعالی اخلاق عمومی

بدون شک «مردم» نقشی اساسی در برقراری و استقرار یک حکومت عادلانه دارند و به عبارتی مردم، یکی از بازوان توانمند رهبر جامعه هستند، و همانگونه که حضرت امیر (ع) نیز اذعان می‌فرمایند بدون همراهی مردم، بهترین رهبران هم ناکارآمد خواهند بود (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۶) و به بیانی دیگر بدون اینکه آنان نقش خود را به نحو شایسته ایفا کنند، و لو اینکه بهترین و شایسته ترین رهبر هم بر آنان حکمرانی کند، چنین حکومتی تحقق نخواهد یافت، همانگونه که در حکومت‌های نبوی و علوی نیز به همین علت، شاهد چنین حکومتی نبودیم. حال یکی از شرایط لازم برای اینکه مردم بتوانند از عهده انجام چنین وظیفه ای برآیند، رشد فکری و فرهنگی آنان است. به عبارت دیگر باید یک بصیرت عمومی در جامعه شکل بگیرد تا مردم رهبر خود و همچنین اهداف عالیه او را

درک کنند و به دنبال آن، او را در تحقق آن اهداف عالیله همراهی نمایند. در جامعه مهدوی، عموم مردم از لحاظ فکری و عقلی و همچنین اخلاقی در سطح بالایی قرار خواهند داشت به نحوی که عموم مردم علاوه بر اینکه ظرفیت اجرای عدالت را خواهند داشت، از اجرای آن استقبال و بلکه در استقرار آن همراهی و همکاری نیز خواهند داشت. علاوه بر اینکه با اجرای عدالت که در قسمت بعدی بیان خواهد شد، این توانایی عقلی و اخلاقی عموم مردم، رشد روز افزون می یابد.

رابطه کمال عقل با صلح و امنیت روشن است، و هیچکس نمی تواند منکر نقش اساسی عقل در تحقق صلح و امنیت شود، چرا که علت ایجاد بسیاری از نزاع ها و اختلافات، جهل و ناآگاهی و یا عملکرد جاهلانه و غیر عاقلانه‌ی حد اقل یکی از طرفین نزاع است. عقل به حدی مهم است که در روایات می گویند انسان عاقل و لو اینکه دشمن باشد، بهتر است از انسان جاهلی که دوست باشد (طبرسی، ۱۳۸۴، ۸۶؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۴۹ و ۵۳۱)، و در مثل معروف «چون عقل در بدن نباشد جان در عذاب است»، نیز نبود عقل، موجب عذاب و سلب آرامش دانسته شده است، و به خاطر چنین اهمیتی است که برخی بزرگان می فرمایند حضرت حجت (عج) دو مأموریت دارد یکی به کمال رساندن عقول و دیگری برقراری عدالت، و مأموریت اصلی و نخست، تکامل بخشیدن عقول است و پس از آن اجرای عدالت ممکن می شود (جوادی عاملی، ۱۳۹۴)، که صلح و امنیت نیز یکی از ثمرات اجرای عدالت فراگیر و همه جانبه است.

در روایات متعددی به این بحث پرداخته شده و تصریح شده است که در حکومت حضرت حجت (عج)، عقول انسانها کامل می شود و علم که ابزاری برای تعقل است، به نهایت اوج خود می رسد. به عنوان نمونه ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: علم بیست و هفت حرف است. آنچه پیغمبران آورده اند دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف ندانسته اند، پس موقعی که قائم ما قیام می کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد و آن را در میان مردم منتشر می سازد و آن دو حرف را هم به آنها ضمیمه نموده تا آنکه بیست و هفت حرف خواهد شد. (مجلسی،

اگرچه رشد علمی و اخلاقی در عصر حضور بسیار چشمگیر و بیش از حد تصور است، اما می‌توانیم با برنامه ریزی و تلاش و جدیت در این حوزه، موجبات رشد و تعالی علمی و اخلاقی جامعه را بیش از پیش فراهم نموده و در پرتو آن از صلح و امنیت بیشتری برخوردار شویم.

۴-۳- محوریت عدالت

برای رسیدن به صلح و امنیت سه موضوع انسان، جامعه و جهان با هم در تقابل هستند. اگر انسان برای رسیدن به تکامل تلاش کند، دیری نمی‌پاید که رهبر کامل ظهور خواهد کرد و جهانی کامل را برپا خواهد نمود. صلح و امنیت از عدالت منتج می‌شود و هنگامی که می‌گوییم جامعه ایده آل جامعه ای است که بر پایه صلح بنا شده باشد، منظور این است که هر چیز درست در جای خود قرار گیرد. در این صورت طبیعتاً صلح از راه می‌رسد. صلح می‌تواند از ارتباط مقدس این سه موضوع با هم حاصل شود. انسان فنا ناپذیر و کاملی که با خود در صلح و آشتی است، صلح و آشتی را به جامعه می‌آورد و در نتیجه جامعه ی کامل، ظهور رهبر کامل را به ارمغان خواهد آورد که پایه گذار صلح جهانی خواهد بود. (حسینی، راهی به سوی صلح، ۱۷۶)

البته مقصود این نیست که صلح به معنای واقعی قبل از ظهور اتفاق می‌افتد، بلکه منظور این است که بشر به مرحله ای می‌رسد که اهمیت صلح و امنیت را به معنای واقعی می‌داند و این مسأله به یک دغدغه عمومی تبدیل می‌شود و حرکت‌هایی هم به این سمت صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر زمینه برای تحقق صلح و امنیت فراگیر فراهم می‌شود، آن وقت با ظهور حضرت حجت (عج) این خواست و حرکت، به سرانجام می‌رسد.

از عدالت تک تک افراد است که صلح جهانی زاده می‌شود (اسد، صلح و عدالت، ۱۷۷). به عبارت دیگر صلح و امنیت در مقیاس جهانی چیزی نیست که یک دفعه و بی ربط حاصل شود، بلکه نیاز به مقدماتی دارد که از قبل باید تحقق یافته باشد. قبل از تحقق صلح باید عدالت تحقق یابد و قبل از صلح جهانی صلح خانوادگی و قبل از صلح خانوادگی صلح فردی باید محقق شود. چرا که این حرکت از بالا به پایین صورت نمی‌گیرد بلکه از پایین به بالا شکل می‌گیرد. حرکتی تدریجی است که به تدریج به کلیت و شمول جهانی

می رسد.

عدالت اجتماعی در حکومت مهدوی، در عدالت اقتصادی، رفع فقر و تبعیض اقتصادی خلاصه نمی شود؛ بلکه عدالت اجتماعی شامل چهار بُعد و عرصه خواهد شد و اتفاقاً اقامه قسط اقتصادی در آن حکومت، بُعد تبعی عدالت اجتماعی است. در حکومت مهدوی، از تمام طبقات اجتماع در چهار بُعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی، فقرزدایی خواهد شد که این فقرزدایی راه تحقق عدالت اجتماعی است. در واقع، عدالت اجتماعی همان جنبه ایجابی فقرزدایی می باشد. همچنین مقتضای عدالت به معنای واقعی این است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی جریان پیدا کند، همچنین بیانگر این حقیقت نیز است که به هریک از این مؤلفه ها و شاخصه ها، به اندازه اهمیتش بهاء داده می شود و بحث تقدم و تأخر و اهم و مهم نیز رعایت می شود و ما می توانیم در عصر غیبت نیز نهایت تلاشمان را تقویت و رشد این شاخصه ها انجام داده و قدمهای مثبتی را در برقراری و تقویت صلح و امنیت برداریم. در ذیل به طور مختصر به تبیین هریک از این چهار بعد عدالت می پردازیم.

۴-۳-۱- عدالت سیاسی

آن گاه که به تمدن غرب نگاه می افکنیم ظاهرش این است که اقتصاد و سرمایه داران نقش اصلی را در سیاست بازی می کنند؛ یعنی اقتصاد و ثروت، توزیع کننده مناصب اجتماعی است؛ اما با نگاهی ژرف تر می توان گفت سیاست نقش اصلی را دارد و قدرت تسخیر و غصب مناصب اجتماعی، باعث جذب ثروت و امکانات به طرف آنها می شود و حداقل این است که بین چپاول ثروت و تسخیر قدرت، تعاملی وجود دارد.

برخلاف تمدن غربی، در جامعه مهدوی و موعود که یکی از اهداف مهمشان اجرای عدالت است، توزیع عادلانه مناصب اجتماعی در رأس قرار می گیرد و به عنوان بُعد اصلی عدالت مطرح می شود. در این جامعه، مناصب و اختیارات اجتماعی بر اساس میزان تقریب اشخاص به خدا و همچنین توانایی و تخصص آنان تقسیم می شود. در چنین جامعه ای چون قرار است انسان به سعادت برسد مقرب ترین انسان ها که توانایی ساختن جامعه مقربان را دارند، در قله مناصب اجتماعی قرار می گیرند و جامعه مهدوی، مصداق تام آیه

شریفه: «...إِنَّ أكرمكم عند الله أتقاكم» می‌گردد که با تفاوت‌ترین‌ها به کرامت دنیا و آخرت می‌رسند و مستضعفان، ائمه و پیشوایان این جامعه می‌شوند.

می‌توان گفت عدالت سیاسی، دارای نقشی مهم و اساسی است، زیرا با اجرای عدالت در بعد سیاسی، زمینه برای اجرای عدالت در دیگر زمینه‌ها نیز فراهم می‌شود. وقتی بهترین گزینه‌ها از لحاظ تعهد و تخصص، برای مناصب حکومتی انتخاب شوند، یقیناً سیاست‌های حکومت دینی نیز که رساندن جامعه جهانی به کمال و سعادت و برقراری عدالت و صلح و امنیت است، به بهترین شکل ممکن تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر حاکمان و مسئولین حکومتی نقشی مهم و اساسی در پرورش و بالندگی فرهنگی، اقتصادی و حتی قضایی جامعه دارند، و وقتی آنان از بالاترین تعهد و تخصص برخوردار باشند، می‌توانند موجبات رشد و کمال جامعه جامعه را در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و همچنین قضایی فراهم کنند. لذا در حکومت حضرت حجت (عج) به این بُعد از عدالت توجه ویژه‌ای می‌شود و بهترین و پاک‌ترین اشخاص در طول تاریخ، عهده دار مناصب سیاسی شده و این وظیفه مهم و خطیر را به عهده می‌گیرند.

اما صادق (ع) می‌فرماید: «قائم آل محمد (عج) بیست و پنج نفر از قوم موسی که حکم به حق و عدالت می‌کنند، و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع وصی حضرت موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابو دجانة انصاری و مالک اشتر را از پشت کعبه (خانه خدا) بیرون می‌آورد». (طبرسی، ۱۳۹۰، ۴۶۴)

حضرت (ع) در خصوص یاران حضرت (عج) نیز می‌فرماید: «... یاران مهدی، مردانی اند پولاد دل، و همه وجودشان یقین به خدا، مردانی سخت تر از صخره‌ها. اگر به کوه‌ها روی آرند، آن را از جای برکنند... برای تبرک، دست خود را به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان تبرک می‌طلبند. آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها پناه او می‌سازند و هر چه را اشاره کند با جان و دل انجام می‌دهند. در میانشان مردانی اند که شب هنگام نخوانند و زمزمه قرآن و مناجات خویش، چون صدای زنبوران عسل، در هم اندازند و تا بامداد به عبادت خدا بایستند و بامدادان سوار بر مرکبها باشند. آنان زاهدان شب و شیران روزند. آنها در فرمانبرداری از امام (عج)، بیش از کنیز نسبت به

آقاییش پافشاری دارند...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۰۷)

همچنین روایاتی نیز داریم که اشاره به علم و دانش و تخصص آنان دارد، از جمله روایت ابوبصیر از امام جعفر صادق (ع) است که ایشان در وصف یاران حضرت (عج) می فرماید: «... این عده ای که قائم علیه السلام در میان آنها می آید از نجباء و فقهاء و حکام و قضایانی هستند که مهدی علیه السلام بر شکم و پشتهایشان دست خواهد کشید، و از آن پس هیچ حکمی بر آنها ناشناخته نخواهد ماند». (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۳۸۰)

این روایت علاوه بر اینکه بیانگر این مطلب است که یاران و اصحاب ویژه حضرت (عج) - که همان حاکمان و صاحب منصبان هستند - از علم و دانش بالایی برخوردار هستند، این مطلب را نیز بیان می کند که علم و دانش و تخصص آنان به واسطه حضرت (عج) کامل می شود به نحوی که هیچ حکمی بر آنان مجهول و ناشناخته نخواهد بود. نتیجه اینکه والیان و صاحبان مناصب در حکومت مهدوی (عج) هم از لحاظ تقوی و ایمان و هم از لحاظ علم و دانش در بالاترین نقطه هستند و نیروهایی اینچنین خودساخته و صالح، حضرت (عج) را در اجرای عدالت و اصلاح و رشد و تعالی جامعه یاری کرده و زمینه را برای تحقق صلح و امنیت در جامعه جهانی فراهم می کنند و بدون تردید اگر یاران حضرت (عج) خودساخته و صالح نبودند، نه تنها کمکی به اصلاح جامعه نمی کردند که تشدید در افساد نیز از جانب آنان محتمل بود و اجرای عدالت در دیگر ابعاد نیز با مشکل روبرو می شد. همانگونه که شاعر نیز می گوید:

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

۴-۳-۲- عدالت علمی و فرهنگی

یکی از ابعاد عدالت مهدوی، فراهم شدن امکان رشد و اعتلای فرهنگی و آموزشی برای آحاد جامعه است. در زمان حضرت، عقل ها کانون واحد می یابد و همه به مقتضای توانایی خود از دانش و معرفت خوشه می چینند و حکمت می آموزند تا بتوانند آهنگ پرستش و عبودیت و فضائل اخلاقی کنند. در عصر ظهور اگرچه نغم مادی در دار دنیا فراوان است، اما با این حال مفهوم لذت، نیاز، کمال و ابتهاج تغییر می کند و این ها در راستای قرب و کمال شکل می گیرند.

بدون شک رشد علمی و فرهنگی اجتماع که به دنبال عدالت علمی و فرهنگی حاصل می‌شود، تأثیر بسیار زیادی در تأمین صلح و امنیت دارد. همانگونه که قبلاً بیان شد، یکی از علل ناامنی، جهل و ضعف فرهنگی است، بدین شکل که جهل و ضعف فرهنگی موجبات نارضایتی را در افراد ایجاد کرده و به نسبت شدت این نارضایتی، اختلاف و درگیری و ناامنی در جامعه پدیدار خواهد شد. رشد علمی و فرهنگی فراگیر که در سایه عدالت علمی و فرهنگی حاصل می‌شود، جهل و ضعف فرهنگی را که ریشه‌های ناامنی هستند می‌خشکاند و زمینه را برای صلح و امنیت پایدار فراهم می‌کند.

در روایتی از امام باقر(ع) در مورد رشد خرد و کانون یافتن عقول این گونه آمده است: «هنگامی که قائم ما قیام کند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوزند) و در نتیجه خردشان کامل شود (متانت و خود نگهداریشان کامل شود)». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۲۸)

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «... و اکمل به اخلاقهم؛ و اخلاق بندگان را کامل می‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۳۶)

در روایتی در مورد همگانی شدن دانش و معرفت در عصر ظهور نیز چنین آمده است: «... در زمان وی چنان حکمت و علوم دین از طرف خداوند داده شود که زن در خانه‌اش مطابق کتاب (قرآن) و دستور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم کند». (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ۲۳۹)

آنچه که از این روایات برداشت می‌شود این است که در جامعه مهدوی، علاوه بر دانش و آگاهی، اخلاق و فرهنگ عمومی نیز رشد و تعالی یافته و علم و دانش ملاک و مبنای عملشان قرار می‌گیرد، و می‌توان گفت در آن دوران، به صورت ریشه‌ای با پدیده‌ی ناامنی و اختلاف مبارزه می‌شود، چرا که جهل و مشکلات اخلاقی، نقشی اساسی در ایجاد ناامنی و خطری مهم برای صلح می‌باشند. به عبارت دیگر مبارزه با جهل و مشکلات اخلاقی و تلاش در جهت تعالی علمی و اخلاقی احاد جامعه، بهترین و اساسی‌ترین روش مبارزه با ناامنی و اختلاف و جنگ است.

۴-۳-۳- عدالت اقتصادی

یکی از ابعاد مهم عدالت که در حکومت مهدوی تحقق خواهد یافت، عدالت اقتصادی است که این بُعد از عدالت می تواند حتی بر دیگر ابعاد عدالت تأثیر بگذارد. به عنوان مثال عدالت علمی و فرهنگی در صورتی به طور کامل تحقق خواهد یافت که در جامعه عدالت اقتصادی وجود داشته باشد، چرا که شرایط اقتصادی می تواند تأثیر زیادی در ایجاد زمینه برای تعالی علمی و فرهنگی عادلانه داشته باشد. علاوه بر این خیلی از نارضایتی ها که موجب نا امنی می شوند، ناشی از بی عدالتی اقتصادی است، و با اجرای عدالت اقتصادی، اینگونه نارضایتی ها از بین خواهند رفت و زمینه برای تحقق صلح و امنیت پایدار فراهم می شود.

پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «اگر از عمر دنیا جز یک شب نماند، خداوند آن شب را چندان دراز گرداند تا مردی از اهل بیت من به سلطنت رسد که نامش نام من و نام پدرش نام پدر من می باشد و او زمین را پر از عدل و داد کند اموال را بالسویه میان مردم تقسیم کند و خداوند دل های امت مرا بی نیاز گرداند....». (اربعی، ۱۳۸۱، ۲، ۴۷۴)

در روایتی دیگر بیان شده است که حضرت (عج)، «رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یکدیگر مواسات می کنند و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و کسی برتر از دیگری (در مال) قرار نمی گیرد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۸۵)

عدالت اقتصادی و در نتیجه آن، عمران و آبادانی زمین در جامعه مهدوی به گونه ای برقرار می شود که صاحبان زکات و حقوق واجب و حقوق مستحب، کسی را نمی یابند تا به او زکات یا صدقه بدهند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲، ۳۳۹)

۴-۳-۴- عدالت قضایی

یکی دیگر از ابعاد عدالت، عدالت قضایی است. این بُعد از عدالت تأثیر مستقیم بر صلح و امنیت دارد. بدین شکل که وظیفه اصلی دستگاه قضاء، حمایت و دفاع از مظلومان و همچنین مبارزه با نا امنی و ظلم و تجاوز افراد شرور و متجاوز است. حال اگر این دستگاه

به طور صحیح و عادلانه به وظیفه خود عمل کند، از طرفی موجب رضایت عموم مردم خواهد شد و از طرف دیگر جلوی نا امنی آن عده اندک متجاوز را نیز خواهد گرفت و در نتیجه زمینه برای صلح و امنیت را فراهم می آورد. اما اگر به وظیفه و مأموریت خود به درستی عمل نکند علاوه بر اینکه جلوی نا امنی و تجاوز متجاوزان را نخواهد گرفت، با عملکرد نادرست خود موجبات نارضایتی عموم مردم را نیز فراهم می آورد و در نتیجه نا امنی مضاعف به بار خواهد آورد.

آنگونه که روایات دلالت دارند این عدالت قضایی به معنای حقیقی در حکومت حضرت حجت (عج)، تحقق خواهد یافت. در روایتی امام صادق (ع) می فرماید: «زمانی که قائم آل محمد (ع) به پا خیزد، در میان مردم به حکم داوود (ع) قضاوت خواهد نمود. او به بینة و شاهد نیازی نخواهد داشت. زیرا خداوند تعالی امور را به وی الهام می کند و او بر پایه دانش خود داوری می کند و هر قومی را به آن چه پنهان داشته اند آگاه می سازد.» (مفید، ۱۴۱۳، ۲، ۳۸۶)

همچنین برخی روایات از جمله حدیث «مهدی علیه السلام مال را می بخشد و بر عمال خود سخت گیری می کند (که مال را تلف نکنند) و با افراد مسکین مهربان خواهد بود» (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۳۲۵)، بیانگر این است که برخورد حضرت مهدی (عج) با عمال و مسئولین حکومتی شدیدتر و سختگیرانه تر از دیگر افراد جامعه است و این یک مسأله مهمی است چرا که خیلی از مفسد از طریق دستگاههای حکومتی و یا با همکاری آنان صورت می گیرد، لذا در صورتی که برخورد با آن شدیدتر باشد، یقیناً بازدارندگی بیشتری خواهد داشت. علاوه بر اینکه عملکرد دولتمردان تأثیر فراوانی روی عموم مردم خواهد داشت و فساد آنها موجب فساد مردم و پاکی آنان موجب پاکی مردم می شود، لذا شایسته است که توجه و نظارت ویژه ای روی آنان باشد و برخورد با آنان نیز شدیدتر از برخورد با عموم مردم باشد.

۴-۴- اتخاذ سیاست ویژه در خصوص کارگزاران

یکی از شروط اساسی برای دستیابی یک حکومت به اهداف و چشم اندازهای خود، برخورداری آن از کادر و نیرویی خود ساخته و توانمند می باشد، به گونه ای که بدون

چنین نیروهایی، آن حکومت در تحقق اهدافش با مشکل روبرو خواهد شد، چرا که بازوان اجرایی یک حکومت، کارگزاران آن هستند. همچنین علاوه بر کشف و به کارگیری چنین افرادی، باید سیاستهای لازم در جهت حفظ، و رشد و تعالی آنان اتخاذ شود که در ذیل به تفصیل به بیان آن می پردازیم.

۴-۴-۱- به کارگیری بهترین کارگزاران

یکی از شاخصه های مهم برای رسیدن یک حکومت به اهداف بزرگی چون صلح و امنیت، برخورداری آن حکومت از کادر و نیروهایی توانمند می باشد. نیروهایی که هم از لحاظ اخلاقی از درجات بالایی برخوردار باشند و هم از لحاظ علمی و تخصص، قابل توجه باشند، چرا که بدون تردید هرچه مسئولین از تعهد و تخصص بالاتری برخوردار باشند، عملکرد بهتری خواهند داشت و در نتیجه رضایتمندی بیشتری را نیز به دنبال خواهد داشت و هرچه این شاخصه ها کم رنگ تر باشد، رضایتمندی مردم نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه به تناسب آن، صلح و امنیت نیز کم رنگ تر خواهد شد.

به همین جهت است که در روایات تأکید فراوانی روی یاران حضرت حجت (عج) شده است و از تعداد و همچنین احوالات و اوصاف آنان سخن به میان آمده است، بگونه ای که ظهور حضرت (عج) نیز متوقف بر تحقق آن یاران با آن اوصاف دانسته شده است و دستیابی حضرت (عج) به اهداف عالی قیامش با همراهی و همکاری آنان خواهد بود.

در روایات هم به ایمان و تقوای آنان اشاره شده است و هم به نحوی تخصص و آگاهی آنان مورد توجه واقع شده است. در روایتی فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت (عج) در مورد یاران حضرت حجت (عج) می فرماید: مردانی هستند که دلهای آنها مانند پاره های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم تر است اگر آنها را وادارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی دارند..... آنها در جنگها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند. مردانی در میان آنهاست که شبها نمی خوابند زمزمه آنها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند، و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها در وقت شب راهب و

هنگام روز شیرند. آنها در فرمانبرداری امام بیش از کتیز نسبت به آفایش پافشاری دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۳۰۷)

ابن طاووس نیز در کتاب ملاحم در خصوص ویژگی های برخی از اصحاب به نقل از ابو بصیر می گوید امام باقر (ع) می فرماید: ... این عده ای که قائم علیه السلام در میان آنها می آید از نجباء و فقها و حکام و قاضی هائی هستند که مهدی علیه السلام بر شکم و پشتهایشان دست خواهد کشید، و از آن پس هیچ حکمی بر آنها ناشناخته نخواهد ماند. (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۳۸۰)

۴-۲- پشٹیانی مستمر علمی از آنان

مهمتر از جذب نیروهای متخصص و متعهد، حفظ و تقویت مستمر این نیروها و پشٹیانی علمی از آنان در طول خدمتشان است، چرا که انسان هم در معرض خطر اخلاقی است و هم در معرض فاصله گرفتن از مباحث علمی، و این خطر افرادی را که مشغول کارهای اجرایی می شوند، بیشتر تهدید می کند. در حکومت مهدوی علاوه بر اینکه اصحاب حضرت (عج) از تعهد و تخصص بالایی برخوردارند، حضرت (عج) نیز آنها را مورد لطف خود قرار داده و پیوسته بر توانایی آنها می افزاید، و این گونه نیست که آنها را به حال خود رها کند. همانطور که در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت می فرماید: «هنگامی که قائم قیام کند در کشورهای روی زمین کسانی را بر می انگیزد، در هر سرزمین یک نفر را، و به او می گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هر گاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن (مکتوب) است عمل کن». (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ۳۱۹)

در عصر غیبت نیز با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و با الگو گرفتن از این شاخصه حکومت مهدوی، می توان سیاستهای مناسبی را در این خصوص در پیش گرفت و علاوه بر جلوگیری و ممانعت از افول و سقوط کارگزاران حکومت اسلامی، بر بالندگی آنان در طول خدمت نیز افزود.

۴-۳- نظارت شدید بر آنان

برای حفظ کارگزاران از ضعف و انحراف، علاوه بر بصیرت افزایی و همچنین اتخاذ

سیاستهای تشویقی، باید برخورد تنبیهی قاطع نیز نسبت به متخلفان صورت گیرد تا مایه عبرت دیگران گردیده و آنان را از پیمودن چنین راهی باز دارد. آنگونه که در سخنان بزرگان دینی می بینیم حضرت بقیه الله علیه السلام نسبت به یارانی که به عنوان حاکمان مناطق به سراسر جهان اعزام می کند سختگیری قابل توجهی دارد و آنها پس از گسیل شدن به محل مأموریت خود، از سوی پیشوای موعود به شدت تحت نظر و مراقبت قرار می گیرند، تا در اجرای عدالت، جدی و سختگیر باشند و از مسئولیت خطیری که بر دوش آنها نهاده شده همواره به خوبی پاسداری نمایند و دچار غفلت یا خطا نگردند (صدر، ۱۴۲۷، ۵۲۲). همچنین برخی عبارات محدثین از جمله؛ «مهدی علیه السلام مال را می بخشد و بر عمال خود سخت گیری می کند (که مال را تلف نکنند) و با افراد مسکین مهربان خواهد بود» (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ۳۲۵)، بیانگر این است که برخورد حضرت مهدی (عج) با عمال و مسئولین حکومتی شدیدتر و سختگیرانه تر از دیگر افراد جامعه است و این می تواند بدین جهت باشد که خیلی از مفاسد از طریق دستگاههای حکومتی و یا با همکاری آنان صورت می گیرد، لذا در صورتی که برخورد با آن شدیدتر باشد، یقیناً بازدارندگی بیشتری خواهد داشت. علاوه بر اینکه عملکرد دولتمردان تأثیر فراوانی روی عموم مردم خواهد داشت و فساد آنها موجب فساد مردم و پاکی آنان موجب پاکی مردم می شود، چنانکه مصدوقه «الناس علی دین ملوکهم» نیز اشاره به این حقیقت دارد. لذا شایسته است که توجه و نظارت ویژه ای روی آنان باشد و برخورد با آنان نیز شدیدتر از برخورد با عموم مردم باشد. اجرای این سیاست می تواند در عصر غیبت نیز اثرات مثبتی را در تحقق صلح و امنیت داشته باشد.

۴-۵- آمادگیهای تکنولوژی و ارتباطی

برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدّت کوتاهی در نوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد؛ و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر برد؛ و پیامها و اطلاعات و آگاهیهای مورد نیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید. اگر زندگی صنعتی به وضع قدیم باز گردد، و مثلاً برای فرستادن یک پیام از یک

سوی جهان به سوی دیگر یک سال وقت لازم باشد، چگونه می‌توان بر جهان حکومت کرد و عدالت را در همه جا گسترده؟!

اگر برای سرکوب کردن یک فرد یا یک گروه کوچک متجاوز - که مسلماً حتی در چنان جهانی نیز امکان وجود دارد - مدت‌ها وقت برای مطلع شدن حکومت و سپس مدت‌ها وقت برای فرستادن نیروی تأمین کننده عدالت لازم باشد، چگونه می‌توان حق و عدالت و صلح را در سراسر دنیا تأمین کرد؟!

خلاصه، بدون شک چنین حکومتی برای برقرار ساختن نظم و عدالت در سطح جهان نیاز به آن دارد که در آن واحد از همه جا آگاه و بر همه جا تسلط کامل داشته باشد، تا مردم آماده اصلاح را تربیت و رهبری کند؛ آگاه سازد؛ زنده و بیدار نگه دارد؛ و چنانچه افرادی ناصالح بخواهند سر بر آورند آنها را بر سر جای خود بنشانند. (مکارم شیرازی، بی تا، ۸۳)

البته این پیشرفتهای علمی و فنی، می‌بایست همه در راستای یک هدف بزرگ که همان سعادت و تعالی بشر است، به کار گرفته می‌شود و تنها در این صورت است که این دستاورد نیز مانند دیگر عناصر مذکور، به بهترین شکل ممکن به استقرار صلح و امنیت جهانی کمک می‌کند. با توجه به خصائص منحصر به فرد حضرت (عج) و همچنین مدیران و مسئولان حکومتی حضرت، که از عالی ترین سطح تخصص و تعهد برخوردارند، کوچکترین شائبه استفاده منفی از پیشرفتهای علمی و صنعتی وجود نخواهد داشت. در عصر غیبت نیز هر چه دست آوردهای بهتری در این عرصه داشته باشیم و همچنین به نحو مطلوبتری در راستای اهداف مورد نظر به کار بگیریم، مراتب بالاتری از صلح و امنیت را شاهد خواهیم بود.

در پایان باید متذکر شویم شرایط و شاخصه های مذکور، به هم پیوسته و مرتبط بوده و اجرای هر یک بر دیگر شرایط، تأثیر گذار است. از این رو می‌بایست به هر یک این شرایط به قدر لازم توجه شود و کوتاهی در تحقق یکی از این شرایط چه بسا تحقق هدف را دچار مشکل نماید.

نتیجه گیری

تحقق صلح و امنیت فراگیر و پایدار، متوقف بر یک سری شرایط اساسی است که این شرایط اگر محقق شود، این نتیجه مطلوب را به دنبال خواهد داشت، و در غیر این صورت، به تناسب ضعف و یا نبود آن شرایط، نتیجه آن نیز که صلح و امنیت است، کم رنگ و یا متزلزل خواهد بود. به تعبیری می توان این شرایط و شاخصه ها را به مهره های یک پازل تشبیه نمود که تصویر زیبای صلح و امنیت وقتی در جامعه متصور خواهد بود که هر یک از این شاخصه ها آنگونه که باید به آن پرداخته شده و تحقق یافته باشند، اما هر چه این شاخصه ها کم رنگ تر باشند، آن هدف - که عبارت است از انعکاس تصویر زیبای صلح و امنیت - مبهم تر و متزلزل تر خواهد بود. این شاخصه ها برخی - همچون علم، تقوا، توانایی و صبر و شکیبایی - مربوط به شخص حضرت حج (عج) است و برخی دیگر - سیاستهای ویژه در خصوص کارگزاران، اجرای عدالت در ابعاد مختلف آن - مربوط به نحوه حکومت و مدیریت و و همچنین اولویت های ایشان در مقام اجراست و برخی شاخصه ها - همچون رشد عقلی و اخلاقی انسانها - مربوط به جامعه و مردم عصر ظهور است. با وجود این شاخصه ها، بدون تردید صلح و امنیت تحقق خواهد یافت و این منحصر به عصر و دوران خاصی نیست اما از آنجا که تمام این شرایط به طور کامل تنها در عصر ظهور اتفاق خواهد افتاد، صلح و امنیت به معنای واقعی نیز دستاورد همان دوره است، اما این بدان معنا نیست که ما به طور کامل در عصر پیشاظهار از صلح و امنیت محروم هستیم، بلکه هر چه ما در جهت تحقق این شاخصه ها بیشتر تلاش کنیم و در رسیدن به آنها موفقتر باشیم به همان اندازه نیز از امنیت و صلح برخوردار خواهیم بود و هر چه از این شاخصه ها دورتر شویم، صلح و امنیت نیز کم رنگ تر و ضعیف تر خواهد بود. به عبارت دیگر صلح و امنیت یک مقوله تشکیکی است که مصداق اکمل و اتم آن در عصر ظهور تحقق خواهد یافت، چون تنها در این عصر تمام این شاخصه ها به طور کامل و جامع تحقق خواهند یافت، اما در عصر غیبت نیز به میزان تلاش و موفقیتمان در تحقق این شاخصه ها، به صلح و امنیت دست خواهیم یافت.

فهرست منابع

- ۱) ابن ابي زينب، محمد بن ابراهيم، الغيبة (للعناني)، ۱ جلد؛ نشر صدوق - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ق.
- ۲) ابن بابويه، محمد بن علي، الأمالي (للصدوق)، ۱ جلد، كتابچی - تهران؛ چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
- ۳) ابن بابويه، محمد بن علي، الخصال، ۲ ج، جامعه مدرسين - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ش.
- ۴) ابن بابويه، محمد بن علي، كمال الدين و تمام النعمة، ۲ جلد؛ اسلاميه - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق.
- ۵) ابن طاووس، علي بن موسى، التشریف بالمنن في التعريف بالفتن المعروف بالملاحم و الفتن، مؤسسة صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۶ق.
- ۶) ابو الحسين، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، ۶ جلد؛ انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۷) اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ۲ جلد؛ بنی هاشمی - تبریز، چاپ: اول، ۱۳۸۱ق.
- ۸) اصفهانی، حسين بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشاميه، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۹) آيت الله ناصر مكارم شيرازي، حكومت جهاني مهدي (عج)، بی نا، بی تا.
- ۱۰) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم (مجموعه من كلمات و حكم الإمام علي عليه السلام)، دار الكتاب الإسلامي - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ق.
- ۱۱) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، ۶ جلد؛ دار العلم للملايين، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۱۲) صدر، سيد محمد صادق، موسوعه الامام مهدي (عج) - تاريخ ما بعد الظهور، دارالکتب الاسلامي، چاپ دوم، ۱۴۲۷ هـ.ق.
- ۱۳) الشبلنجي، الشيخ مؤمن بن حسن مؤمن، نور الابصار في مناقب آل بيت النبي المختار (ص)؛ منشورات الشريف الرضي، بی تا.

- ۱۴) شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغة (للسبجي صالح)، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۵) شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ۵ جلد؛ اعلمی - بيروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ ق.
- ۱۶) صاحب بن عباد، كافي الكفاة، اسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، ۱۰ جلد؛ عالم الكتاب، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ هـ ق.
- ۱۷) صافي گلپايگانی، لطف الله، منتخب الاثر في امام الثاني عشر (ع)، موسسه السيده المعصومه (س)، چاپ اول، قم، ايران، ۱۴۱۹ هـ ق.
- ۱۸) طبرسی، فضل بن حسن - شیخی، حميد رضا، نثر اللاکلی - سخنان دربار امام علي عليه السلام / ترجمه شیخی، ۱ جلد، بنياد پژوهش های اسلامی - مشهد، چاپ: دوم، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۹) طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، اسلاميه - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۹۰ ق.
- ۲۰) طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ۱ جلد، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۱) عبدالرحمن محمود، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهيہ، بی نا، بی تا.
- ۲۲) فراهیدی، خليل بن احمد، كتاب العين، ۸ جلد؛ نشر هجرت، قم - ايران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ۲۳) فيومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، منشورات دار الرضي، قم - ايران، اول، هـ ق.
- ۲۴) کیانی، علی اصغر، در اندیشه حکومت برتر، انتشارات آيين محمد (ص)، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ ش.
- ۲۵) کلینی، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي (ط - الإسلامية)، ۸ جلد؛ دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۶) کلینی، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي (ط - دارالحديث)، ۱۵ جلد؛ دار الحديث - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق.
- ۲۷) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۸) برزونی، محمد علی، اسلام، اصالت صلح یا جنگ، بی نا، بی تا.

۲۹) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ هـ.ش.

۳۰) مصلحی، حیدر، سجادی، سید احمد، مدیریت و امنیت، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲.

۳۱) معصومه اسد، محقق و پژوهشگر آرژانتینی، مقاله صلح و عدالت، ص ۱۷۷، مجموعه مقالات سمینار علمی، پژوهشی و بین المللی صلح، زنان، ادیان الهی.

۳۲) مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ جلد؛ کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

۳۳) منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعة، ۱ جلد، اعلامی - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۰۰ ق.

۳۴) موسی زاده، رضا، سازمانهای بین المللی، نشر میزان، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۶.

۳۵) هاجر حسینی، محقق و پژوهشگر امریکایی، مقاله راهی به سوی صلح، ص ۱۷۶، مجموعه مقالات سمینار علمی، پژوهشی و بین المللی صلح، زنان، ادیان الهی.

۳۶) خانی، علی عبدالله، عدالت و امنیت، فصلنامه علوم سیاسی / ۱۳۸۵ / شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۵.